

جستاری در باره حروف مقطعه قرآن

به نظر این جانب محقق تاریخ ادیان، چون محمد (ص) و خدایش اهل سحر و جادو نبوده اند، لذا خدا آنها را به عمد معماگونه مطرح ساخته است. به عبارتی دیگر پشت این کلمات معنی و مفهومی در رابطه با شکل ظاهری این الفاظ و همچنین القاب محمد(ص) و پیامهای مستتر میباشند. پس روش درست تحقیق در این باب پیدا کردن کلماتی مناسب شکل ظاهری آنها و همچنین مناسب با متن قرآنی مربوط بدانهاست. چون این کلمات جملگی در آغاز عبارات قرار گرفته اند پس می توان حدس زد که در حالت خطابی هستند. فی المثل یاسین که من آنرا به معنی ای دانا میگیرم. برای من تعجب آور است که فقهای لغت شیعه و سنی و حتی علمای شرقشناس غرب با چنین بینشی علمی و واقعگرایانه بدین کلمات نگاه نکرده اند: رمز این کلمات وقتی آشکار میشود که به حدیث نبوی معروف "علم را به جوید حتی اگر در سین باشد" توجه کافی مبذول گردد: در اینجا علمای فقه اللغت سین را اصیل ندانسته و آنرا صورت عربی نام سرزنین چین تصور کرده اند. گرچه چین سرزمین دوردستی است و از این لحاظ در این جمله مصداق پیدا میکند، ولی چین در خاورمیانه به عنوان سرزمین علم شناخته شده نبود و خود چینیان هم مراکز علم را در هند و روم (یا به قول خود چینیها تاتسین یعنی چین بزرگ دوردست) می جسته اند. بنابراین باید سین را در حدیث نبوی فوق اصیل دانست به عبارتی روشنتر این خود کلمه سین است که با علم مربوط است. می دانیم که در عربی از این ریشه کلمات سن (روشنگری) و سنت (آیین) را در دست داریم یعنی سین به معنی دانایی بوده که ظاهراً لغتی مهجور و نامألوف بوده و کمتر کاربرد داشته است. اصلاً مسلم می نماید این کلمه بدین معنی از ریشه کلمه اوستایی سینگه (سین، به معنی معلم و دانا) باشد و از همینجاست که در فرهنگ ایرانی سین هم به معنی دانای علوم وهم به معنی دیگر آن یعنی عقاب (سنه اوستایی) گرفته شده و سین مَرو (سیمرغ) پرنده ای اسطوره ای بسیار دانا به شمار رفته است. از اینجا رمز نام سوره یاسین که خود نام یکی از حروف مقطعه قرآن است معلوم میشود. پس یاسین به معنی ای دانای دین و آیین است. دو حرف مقطعه قرآنی در این رابطه کلمات طاسین و طاها می باشند که به ترتیب معانی ای استاد فرزانه و ای استاد را می دهند. در حلقه متصل بدینها حرف مقطعه طاسم (طسم) قرار دارد که آن را می توان ای استاد محض و صمیمی معنی نمود. چون به نظر میرسد در این جا "س" به جای "ص" قرار گرفته است. حرف مقطعه صاد را می توان از ریشه الصد گرفت و آن را ای پیشگیری کننده و دوری نماینده معنی نمود. حرف مقطعه قاف را باید از ریشه قفا گرفت و آن را در مجموع ای از پس پیغمبران دیگر فرستاده شده معنی کرد. حامیم (از ریشه حمیم) معنی ای مهربان، خونگرم و دوست را می دهد. الم را باید به معنی ای ریاضت کش گرفت. الرا یعنی ای جهانبین. المص (المس) به معنی ای پیامرسان (ای پیامبر) می باشد. المر به معنی ای انسان است. کهیصص (کایسه) به معنی ای دانا و باکیاست است. سر انجام حرف مقطعه عین سق (عسق) به زبان عربی / سریانی / عبری به معنی ای بسیار بینا است.